

Critical Comparative Study of Intellectualist and Textualist Religious Modern Thinkers' Views about Revelation

Ali Hajikhani¹

Hassan Karimi²

Kavoos Roohi Barandagh³

DOI: 10.22051/tqh.2020.28662.2652

Received: 9/10/2019

Accepted: 22/6/2020

Abstract

Religious modern thinkers with different trends try to preserve religion's function in modern world. One of this trends is textualism represented by scholars like Shahroor and Abdolali Bazargan, while another trend is intellectualism presented by scholars like Soroush, Shabestari and Nasr Hamed Abuzeid. Based on the analytical descriptive method, this research aims to analyze, compare and criticize the opinions of both textualist and intellectualist groups about revelation and detects their strength and weakness. The results show that intellectualist strategy for solving problems of revelation is not superficial in specific cases but is changing the religious fundamental views, while textualists consider revelation superhuman and try to solve its problems by case. Efforts for relative comprehension of revelation, setting of establishment of outside religious interaction with non-religious people and the principal solving of problem of implementing the penal laws of the Qur'an in the modern era are some advantages of intellectualism. In addition, eliminating the Qur'anic law, providing for transcending its worshipping setting, and degrading the Qur'an to a human mistakable book are some of disadvantages of the intellectualism. In contrast, further adaptation of the superhuman view of revelation to textual facts, non-transcendence of Qur'anic law, and defense of non-conflict between revelation and science, are the strengths of the textualist approach while compelling interpretations of legislation and overcoming some challenging elements of the Qur'an in terms of timeliness, without clarifying their place in the modern world, is considered its weakness.

Keywords: *Religious Modern Thought, Textualism, Intellectualism, Reformists, Revelation.*

¹. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Tarbiat Modarres University, Iran. ali.hajikhani@modares.ac.ir

². PhD Candidate of Qur'an and Hadith Sciences, Tarbiat Modarres University, Iran. (The Corresponding Author). h_karimi84@yahoo.com

³. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Tarbiat Modarres University, Iran. k.roohi@modares.ac.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.)

سال هجدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، پیاپی ۴۹، مقاله پژوهشی، صص ۷۱-۱۰۱

بررسی تطبیقی - انتقادی نظرات نواندیشان دینی

عقل گرا و متن گرا پیرامون وحی

علی حاجی خانی^۱

حسن کریمی^۲

کاوس روحی برندق^۳

DOI: 10.22051/tqh.2020.28662.2652

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

چکیده

نواندیشان دینی با گرایش‌های متفاوت، سعی در حفظ کارکرد دین در دنیای مدرن نموده‌اند. یکی از این گرایش‌ها، متن‌گرایی است که افرادی نظیر شحرور و عبدالعلی بازرگان نماینده آن هستند و گرایش دیگر عقل‌گرایی است که سروش، شبستری و نصر ابوزید آنرا نمایندگی می‌کنند. پژوهش حاضر تلاش نموده با روش توصیفی-تحلیلی، دیدگاه این دو طیف نواندیشی را در زمینه وحی، مورد تحلیل، تطبیق و نقد قرار داده و نقاط ضعف و قوت آنها را مورد واکاوی قرار دهد. نتایج بدست آمده بیانگر آنست که راهبرد عقل‌گراها در حل معضلات وحی، نه به شکل روبنایی و موردی

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ali.hajikhani@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

h_karimi84@yahoo.com

k.roohi@modares.ac.ir

بدانکه با تغییر دیدگاه‌های بنیادین است. اما متن‌گراها وحی را فرابشری دانسته و معضلات آن را سعی می‌کنند موردی حل کنند. تلاش برای فهم نسبی از پدیده وحی، بسترسازی برقراری تعامل و مفاهمه برون دینی با غیر دین‌داران، رفع مبنایی معضل اجرای قوانین کیفری قرآن در عصر مدرن، از امتیازات نواندیشی عقل‌گرا و حذف تشریعات وحی و فراهم شدن بستر گذر از تشریعات عبادی آن، تنزل قرآن در حد یک کتاب بشری خطا پذیر زمانمند نیز از نقاط ضعف آن قلمداد می‌شود. در مقابل، انطباق بیشتر دیدگاه فرابشری بودن وحی با واقعیت‌های متنی، عدم عبور از شریعت قرآنی، دفاع از عدم تعارض وحی و علم، از نقاط قوت رویکرد متن‌گرایی و تأویل‌های تکلف‌آمیز در مورد تشریعات و گذر از برخی عناصر چالش‌برانگیز قرآن از حیث زمانمند بودن، بدون روشن شدن جایگاه آنها در دنیای مدرن از نقاط ضعف آن شمرده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نواندیشی دینی، متن‌گرایی، عقل‌گرایی، اصلاح‌طلبان، وحی.

مقدمه و طرح مسئله

نوآوری نیازی همیشگی است و بدون آن فرهنگ‌ها دچار زوال و مرگ می‌شوند. دین و اندیشه دینی نیز از این قاعده مستثنا نیست و در طول تاریخ اسلام شاهد تلاش‌های نواندیشانه بوده‌ایم. زمینه پیدایش احیاگری‌های گذشته رنجور شدن دین به واسطه از میان رفتن تعادل مطلوب میان اجزای مختلف دین بوده است. اما در دوران جدید زمینه پیدایش اصلاح، تحولی است که در عقلانیت رخ داده و عقل قدیم مفسر و نقد تفسیری، جای خود را به عقل جدید متصرف و نقد بنیادین و متصرفانه داده است. مشاهده عقب‌افتادگی مسلمانان از دنیای مدرنی که به باور برخی اندیشمندان گوهر آن «خرد خود بنیاد نقاد» است

(نراقی، ۱۳۷۷) عالمان مسلمان را به فکر چاره‌جویی انداخت و دسته‌ای از آنان دریافتند تسلیم مطلق تغییر و تجدد شدن، ثباتی و لذا دینی باقی نمی‌گذارد، و بر ثبات پا فشردن و با دگرگونی‌ها هم‌آواز نشدن، زندگی را در این روزگار ناممکن می‌سازد. لذا در صدد آشتی دادن ابدیت و تغییر برآمدند (سروش، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

این نواندیشان با گرایش‌های متفاوتی سعی در حفظ کارکرد دین در دنیای مدرن نموده‌اند. یکی از این گرایش‌های مهم و تأثیرگذار، عقل‌گرایی است که از اندیشمندان آن می‌توان عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و نصر حامد ابوزید را نام برد و یکی دیگر از این گرایش‌ها، متن‌گرایی است که افرادی چون محمد شحرور و عبدالعلی بازرگان آن را نمایندگی می‌کنند. تبیینی لازم است که روشن کند هر کدام از این دو طایفه مهم نواندیشی برای اینکه از دین و تعالیم آن در دنیای مدرن طرحی معقول ارائه دهند چه نوع نگاهی را به وحی و عناصر آن اختیار کرده و این دیدگاه چه امتیازات و چه نقاط ضعف و قوتی داشته و نتایج حاصل از آن چیست؟

از نظر پیشینه پژوهش، آثار محدودی وجود دارند که به دسته‌بندی کلی نگرانه نواندیشی دینی پرداخته‌اند مانند «نواندیشی دینی در سه پرده» (نراقی، ۱۳۹۷)، «درباره روشنفکری دینی» (همو، ۱۳۷۷) و «اصلاح دینی در اسلام شیعی» (کدیور، ۱۳۹۸) و چه ممیز این نوشتار، تمرکز بر دو گرایش خاص متن‌گرایی و عقل‌گرایی و ترسیم دقیق دیدگاه آنها در خصوص وحی در مقام مقایسه می‌باشد.

۱. بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها

نواندیشی دینی (Religious Intellectualism) که با عناوین و نام‌های دیگری مانند احیاگری، اصلاحگری، بیداری و بیدارگری، نوگرایی دینی، نوزایی دینی، پروتستان‌تیسیم اسلامی، روشنفکری دینی و... نیز از آن یاد می‌شود (اشکوری، ۱۳۹۸) به‌واسطه تلقی‌های متفاوتی که در معیارهای تشخیص آن وجود دارد، تعاریف گوناگونی یافته است لیکن این تعاریف در نقطه‌ای مشترک شده و آن اندیشیدن راجع به مدرنیته و

تأثیرات متقابلش بر سنت است و تلاش برای ارائه قرائتی از سنت که دشواری‌های کمتری در این عرصه موجب شود (عباس نعیمی، ۱۳۹۸).

عناوین نواندیشی متن‌گرا و عقل‌گرا در این نوشتار توسط نویسنده جهت پیشبرد بحث خود اختیار شده است. منظور از نواندیشی متن‌گرا، تلاشی است فکری که در صدد است از درون متن و دریافت‌های نوین از آیات، عبارات و واژه‌های متن راهی به هدف پیش‌گفته نواندیشی دینی نائل آید و تمرکز اصلی‌اش بر خود متن قرآن است نه سایر متون دینی؛ و منظور از نواندیشی عقل‌گرا گونه‌ای از نواندیشی دینی است که اصالت را به عقلانیت انتقادی برون دینی می‌دهد.

۱-۱. دیدگاه عقل‌گراها

مشکلاتی از قبیل مشکلات کلامی تکلم باری تعالی، رنگ و بوی عربی و قومی و شخصی برخی آیات، سؤالات کم‌اهمیت اعراب که در قرآن انعکاس یافته، تعارض برخی آیات با علم، فراز و فرودهای ادبی و معرفتی موجود در آیات، پریشانی متن، ویژگی‌های جغرافیایی و قبیلگی احکام و اسطوره‌های تاریخی و مناظر اخروی و ... نواندیشان را به تأمل در مورد وحی وا داشته است و عقل‌گراها را به این نتیجه رسانده که به‌جای اصلاحات روبنائی، باید دیدگاه راست‌کیشانه در مورد وحی را کنار نهند و با تبیینی طبیعی و مادی از وحی، سویه بشری، تاریخی و زمینی وحی را پررنگ کنند تا بتوانند توضیحی برای مسائل فوق‌بیابند.

۱-۱-۱. تجربه انگاری وحی

اساسی‌ترین دیدگاه اصلاحی آنها در مورد وحی، تجربه قلمداد کردن وحی است. در این نگاه قرآن بازتاب‌دهنده تجربه‌های شخصی پیامبر است. (مجتهد شبستری، ۱۳۹۸) پیامبر در تجربه‌اش چیزی را دیده و آن را وحی خدا نامیده است. (حامد ابوزید، ۱۳۹۱) این تجربه در دو سطح درونی و بیرونی است (سروش، ۱۳۹۲، ص ۲۴) یعنی قرآن تنها تجربه‌ی

پیامبر نیست، تجربه‌ی جامعه هم هست (حامد ابوزید، همان) پیامبر به مرور در تجربه خود مجرب تر و آزموده تر شده (سروش، همان، ص ۱۰) و تجربه او تبدیل به یک الگو و نظام به نام اسلام شده است. (حامد ابوزید، همان) در نتیجه اگر پیامبر عمر بیشتری می یافت ای بسا گوهرهای گران تر صید می نمود و قرآن را فربه تر و جهان را توانگرتر می کرد (سروش، ۱۳۹۴).

۱-۱-۲. تأثیرپذیری وحی از پیامبر و جامعه او

اولین پیامد تجربه انگاری وحی این است که شخصیت پیامبر و شرایط روحی روانی او در وحی تأثیر می گذارد. چون «این شخصیت، محل و موجد و قابل و فاعل تجارب دینی و وحیی است، لذا وحی تابع اوست، نه او تابع وحی» (سروش، ۱۳۹۲، ص ۱۳) پس می توان با تحلیل روان شناختی از متن، پیامبر را تحلیل روان شناختی کرد. مثلاً «اوصاف بهشت و جهنم، لحن های رحمت آلود یا غضب آلود پاره ای از آیات، سختگیری های شدید با کافران و بسیاری دیگر از مشخصات این متن آینه خلق و کیفیت نبی اسلام است» (مجتهد شبستری، ۱۳۹۶) و با بررسی متن می توان به دغدغه های پیامبر پی برد. بر همین اساس دستور قرآن به بازگشت به دین ابراهیم از نظر حامد ابوزید پا سخی است به جستجوگری پیامبر از دینی که به نزاع های داخلی و رویارویی با دشمنان بیرونی یعنی ایران و روم پایان دهد (حامد ابوزید، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸-۱۳۱).

علاوه بر شخصیت پیامبر شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه پیامبر نیز بر وحی تأثیر می گذارد. اساساً متن، محصولی فرهنگی است چراکه هر متنی در چارچوب نظام زبانی فرهنگ خود قرار دارد. (همان، ۶۸-۷۲) لذا مفاهیم و ارزش های منفی و سلبی و نظام خاص جامعه پیامبر همچون برده داری، تعدد زوجات، داشتن کنیز، حد زنا، نحوه رابطه با کفار و کیفیت اخذ مالیات از آنها، سحر، تأثیر حسد، جن، شیاطین، تعویذها، تأثیر چشم زخم و ربا در متن قرآن منعکس می گردد. (همو، ۱۳۸۳، ص ۲۸۵-۲۹۳) و یا اینکه می بینیم مردها مخاطب قرآن هستند و زنان در زیر سایه مردها حضور دارند. چراکه

این همان پارادایم قرن هفتم میلادی است (همو، ۱۳۹۱) بنابراین نباید از قرآن توقع داشت که همه چیز را زیر و رو کند. قرآن با واقعیت‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، برخی را قبول، برخی را تعدیل و برخی را رد می‌کند. (همان) البته متن قرآن، فرهنگ و واقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای ابزاری بازنمایی نکرده، بلکه برای انعکاس واقعیت و فرهنگ، داده‌های این دو را به شکلی جدید و سازنده بازسازی کرده است (همو، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

۱-۱-۳. مدخلیت پیامبر در لفظ و معنای وحی

پیامد دیگر و مهم‌تر تجربه‌انگاری وحی این است که لفظ و معنای قرآن تألیف خود پیامبر (سروش، ۱۳۹۴؛ حامد ابوزید، ۱۳۹۱) و اسناد تکلم به خداوند، همچون اسناد دیگر اوصاف بشری به او، مجازی خواهد بود و نه حقیقی (سروش، ۱۳۹۰) بدین ترتیب متن قرآن محصول وحی است و نه خود وحی «به این معنا که پیامبر بر اثر وحی توانا به چنین سخن‌گفتنی می‌شود» (مجتهد شبستری، ۱۳۹۶) یکی از دلایلی که مجتهد شبستری بدان تمسک می‌جوید توجه به معنای لغوی «وحی» یعنی «اشاره سریع» است درحالی که «مصحف شریف با شش هزار و خرده‌ای آیات نمی‌تواند مصداق این اشارات باشد و متنی که مفهوم همگان است اشاره سریع نیست» (همو، ۱۳۹۵)

۱-۱-۴. تاریخیت وحی

عقل‌گراها وجودی پیشین برای قرآن را نمی‌پذیرند بلکه آن را ظهور یافته و شکل گرفته در تاریخ و در موقعیتی خاص (حامد ابوزید، ۱۳۸۸) و در تعامل با عالم واقع و مسائل مورد نیاز جامعه مخاطب می‌دانند. (همو، ۱۳۸۷) مهم‌ترین تکیه‌گاه آنها برای تاریخی نشان دادن وحی و به تبع آن عرضی معرفی کردن دسته‌ای از آیات، مسئله اسباب نزول است. آنها از تدریجی و متناسب با اتفاقات نازل شدن برخی آیات نتیجه‌گیری می‌کنند که «اگر حوادث دیگری رخ می‌داد، چه بسا اسلام (در عین حفظ پیام اصلی خود) با تکون تدریجی دیگری روبرو می‌شد و ما با الگوی دیگر و جامعه دیگری که به دست پیامبر

ساخته می‌شد، مواجه بودیم» (سروش، ۱۳۹۴، ص ۲۱). لذا «مشکل می‌توان پذیرفت که برای تک تک احوالات و سؤالات، آیاتی از ازل معین و مکتوب بوده، نیز باطل است اگر گمان کنیم که با حدوث هر حادثه‌ای، اراده تازه‌ای در ذات باری پدید می‌آمده و آیه‌ای ساخته می‌شده؛ چنین تصویری همه زندگی پیامبر را به فیلمی از پیش ساخته شده بدل می‌کند» (سروش، ۱۳۹۰) با این وصف از نظر آنها «لوح محفوظ» همچون مفاهیم «کرسی» و «عرش» و ... باید به گونه‌ای مجازی فهم شود و معنای حقیقی را مراد ندانست (حامد ابوزید، ۱۹۹۵، ص ۶۹).

۱-۱-۵. امکان پدیدارشناسی وحی

گام نهایی عقل‌گراها پس از بشری کردن وحی پدیدارشناسی این پدیده به گونه‌ای قابل درک می‌باشد. چراکه از نظر آنها «نبوت نه پدیده‌ای متعالی و جدا افتاده بلکه امری قابل فهم و ادراک است.» (همو، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱) از این رو سروش وحی را رؤیاهای پیامبر می‌داند به گونه‌ای که «محمد (ص) روایتگر تجارب و ناظر مناظری است که خود دیده است، نه اینکه مخاطب و مخبر باشد» (سروش، ۱۳۹۴) در این نظریه پیامبر به جای خدا می‌نشیند و از زبان او سخن می‌گوید و جبرئیل هم خود محمد (ص) است که در رؤیای قدسی بر خود، چون فرشته ظاهر شده است (سروش، ۱۳۹۵).

اما پدیده وحی در نظریه شبستری، قرائت (فهم تفسیری) و روایت پیامبر از جهان است. (شبستری، ۱۳۹۶) او حقیقت وحی را یک چیز می‌داند، اینکه خدا مرکز هستی است و تعدد بردار نیست و این گونه نبوده که از طریق وحی هر چند وقت یک بار مجموعه اطلاعاتی برای پیامبر آمده باشد بلکه اطلاعات از همین تنها حقیقت آشکار شده زائیده شده است. (شبستری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵) با این تحلیل از وحی، امر و نهی‌های حکومتی که در قرآن امر و نهی خدا اعلام شده‌اند نیز امر تفسیری قلمداد می‌شوند به این معنا که اگر خداوند فرضاً در زمین بر آن مجتمع انسانی حکومت می‌کرد همان امر و نهی‌های حکومتی را صادر می‌کرد که محمد (ص) آنها را صادر کرده است (همان، ص ۳۲۳).

۱-۱-۶. زمانمندی وحی تشریحی

از نظر عقل‌گراها، «هر متن درون خود دال‌ها یا نشانگرهایی دارد که پیوندی محکم با عصر تولید آن متن دارند؛ وقتی در ساختار فرهنگ تغییری بنیادین روی دهد، برخی از این نشانگرهای دلالتی قدرت تابندگی خود را از دست می‌دهند و خاموش می‌شوند، اما هیچ‌گاه نمی‌میرند، چرا که همواره می‌توان از آنها به‌عنوان شواهد تاریخی استفاده کرد. (حامد ابوزید، ۱۳۸۹، صص ۳۹-۴۱) مثلاً غایت بخش‌هایی از شریعت، مانند احکام برده‌داری، مربوط به حوزه اجتماعیات و رفتار فرهنگی بشری است که تحقق آن در مسیری از تاریخ امکان‌پذیر شده است (همو، ۱۳۸۷).

مضاف بر این، احکام قرآن اکثراً و یا همگی امضائی هستند و نه تأسیسی (حامد ابوزید، ۲۰۱۵، صص ۱۳۲-۱۳۳) و پیامبر جهدی برای تغییر این احکام نکرد. به همین دلیل اگر پیامبر در قوم دیگری بود احکام همان قوم را امضا می‌کرد (سروش، ۱۳۹۶) همچنین تغییراتی را که پیامبر ایجاد کرد، تغییراتی بود که در آن زمان مفهوم و مقدر بوده است و نهایت تغییرات ممکن نبوده مثلاً در مورد زنان از ظلم زمانه به عدل زمانه در مورد آنان حرکت کرده است (مجتهد شبستری، ۱۳۹۸ ب).

عقل‌گراها قرآن را کتاب قانون نمی‌دانند. زیرا «آهنگ تمامی آیات احکام یک آهنگ اخلاقی است و قرآن از این نظر عمل به قانون را طلب می‌کند که این عمل مصداق یک عمل اخلاقی قرار می‌گیرد» (همو، ۱۳۸۱، ص ۸۵) «در واقع قرآن به دنبال تغییر اخلاقی روابط حقوقی است.» (حامد ابوزید، ۱۳۹۱) و «قصد پیامبر ایجاد تغییرات معینی در واقعیات و ارتباطات موجود اجتماعی مخاطبان معین، به نفع اهداف اخلاقی مشخص بوده است نه چیز دیگر» (مجتهد شبستری، ۱۳۹۸).

لذا می‌بینیم به جای تعبیر قانون، در قرآن تعبیر حکم یعنی داوری وجود دارد. یعنی در موارد معینی که وضعیتی پیچیده به وجود می‌آمده پیامبر داوری کرده و برای عدالت تعیین

مصادق کرده است. هیچ گاه دعوی پیامبر این نبوده که من دارم برای کل بشریت قانون می گذارم (همو، ۱۳۹۶، ص ۴۶۸).

بر اساس آنچه گفته شد عقل گراها نتیجه گرفته اند که احکام و قوانین قرآن جزء جنبه های متغیر و عرضیات دین هستند و نه ذات و گوهر و ارزش های آن. (سروش، ۱۳۹۲، صص ۲۹-۳۰) به همین دلیل در ادیان مختلف، متفاوتند. (همو، ۱۳۹۶) در نتیجه احکام شرع، همه موقت و محلی و متعلق به دنیای ماقبل مدرن اند، مگر خلاف آن ثابت شود (همو، ۱۳۹۵ الف) البته لازم است گفته شود شبستری تقسیم دین به ذاتی و عرضی را نامقبول می داند و حتی ذات ادیان را هم متغییر و متحول می پندارد (مجتهد شبستری، ۱۳۹۶، صص ۲۱۳ و ۲۷۳).

با این وصف روشن است که از نظر عقل گراها در عصر حاضر هیچ گونه تکلیف شرعی که عمل به احکام اجتماعی را برای مسلمانان الزامی سازد از ناحیه خود قرآن متوجه مسلمانان نیست. (همان، ص ۳۰۱) در این میان سیاسیات و جزئیات مشکوک ترین و مندرس ترین بخش فقه اند و ضعف مزاجشان به هیچ داروی مدرن درمان پذیر نیست. (سروش، ۱۳۹۵-الف) وقتی که عمل به احکام قرآن بلامانع می شود این سؤال پیش خواهد آمد که تکلیف احکام عبادی آن چیست؟ سروش می گوید: «مناسک و آیین عبادی، ماندگارترین و دلرباترین بخش فقه و پوسته محافظ اخلاق و هسته سلوک پیامبرانه اند و برای همیشه می توانند آماده گر معنویت و هویت بخش به امت اسلامی باشند.» (همان) شبستری نیز که در ابتدا چنین نظری داشت و می گفت: «عبادات تکنیک هایی برای تعالی روحی هستند و قادر به تغییر آنها نیستیم» (شبستری، ۱۳۹۶، ص ۲۹۷).

اما با چرخش از این نظر خود در جای دیگر می گوید: «در عبادات هم باید تجدیدنظرهایی بشود، باید مفهوم «وجوب» را کنار گذاشت و به جای آن، مفهوم «توصیه» را قرار داد. باید گفت اگر نمی توانید مثلاً نمازهای یومیه را یا روزهی ماه رمضان را با آن شرایط و آمادگی های لازم روحی و اخلاقی انجام دهید، اعمال سبک تری را به عنوان جایگزین انجام دهید» (همان، ص ۶۷۶-۶۷۷).

با برداشتن قید ابدیت از احکام قرآن، عقل‌گراها در ابتدا اجتهاد خود را بر پایه تفسیر تاریخی آیات بنا نمودند (شبستری، ۱۳۹۷؛ حامد ابوزید، ۲۰۱۰، ص ۱۱۳) به این معنا که آنچه باید به دست آورده شود جهت کار پیامبر در آن شرایط تاریخی و اجتماعی است نه کاری که پیامبر می‌کرد. (مجتهد شبستری، ۱۳۹۸ ب) اما با پی بردن به این مشکل که «هر کس - دست کم به طور ضمنی - باور دارد تأویلی که او به دست می‌دهد سازگارترین تأویل با متن و در نتیجه مشروع‌ترین تأویل است در نتیجه [این تأویلات] منجر به هرمنوتیکی جدلی یا توجیه‌گرایانه خواهد شد» (حامد ابوزید، ۲۰۱۰، ص ۱۱۹) روش اجتهادی خود را به سمت یک هرمنوتیک دموکراتیک بردند. یعنی معتقد شدند «باید رایزنی جمعی را در جمیع شئون [دین] جاری دانست» (سروش، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

نتیجه آن شد که باید مبنای زندگی اجتماعی سیاسی مسلمانان، نتایج حاصل از عقلانیت عملی عصر حاضر و حقوق بشر و دموکراسی باشد و مسلمانان متناسب با وضعیتی که در آن قرار دارند بهترین سبک تنظیم عقلانی و عادلانه زندگی را انتخاب کنند (مجتهد شبستری، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۲۱ و ۳۰۱) و باید زمینه را برای فراهم شدن بستر دریافت‌های دینی متکثر، به طریقی ایجاد کرد.

پیشنهاد ابوزید گفتار انگاری قرآن به جای متن انگاری است (حامد ابوزید، ۲۰۱۰، صص ۱۱۳-۱۲۰) پیشنهاد شبستری، گفتار پیامبر دانستن قرآن است که به واسطه آن «می‌توان تفسیرهای کاملاً متفاوت به عمل آورد و اعتبار یا بی‌اعتباری چنان تفسیری را به صورت بین‌الاذهانی با دیگران در میان گذاشت» (مجتهد شبستری، ۱۳۹۵) پیشنهاد دیگر او منحصر کردن جاودانگی قرآن تنها و تنها در قرائت و تفسیر توحیدی از جهان و موحدانه زیستن در فکر و اخلاق عملی (همو، ۱۳۹۸) و مشارکت همگانی در این قرائت توحیدی از جهان در عصر حاضر است. (همو، ۱۳۹۶) بر این اساس بر مبنای درک انسان امروز از اخلاق، تفسیری اخلاقی از اراده خداوند ارائه شده و به اراده تشریحی خداوند نسبت داده می‌شود و آنچه را در عصر حاضر خلاف اخلاق به شمار رود به خداوند نسبت داده نمی‌شود گرچه در متون دینی مجاز یا حتی واجب شمرده شده باشد. (شبستری، ۱۳۹۶، ص ۳۴۷) پیشنهاد

سروش نیز بسط تجارب باطنی و اجتماعی و سیاسی پیامبر با حفظ روح وحی و تکیه و توجه به ولایت باطنی پیامبر است به طوری که گویی از نو وحی می رسد. (سروش، ۱۳۹۲، ص ۲۷)

۱-۴-۷. خطاپذیری وحی

نواندیشان عقل گرا، وجود تعارض با علم در قرآن را پذیرفته اند (سروش، ۱۳۹۶) تعارضات و خطاهایی همچون وجود پارادوکس های کژتاب و خرد گریز، وجود حوادث و علت و معلول های نا آشنا و ناآزمودنی و پاره شدن زنجیر زمان (سروش، ۱۳۹۵-ج) بیانات خلاف علم مانند چگونگی ساختار آسمانها و زمین، خروج نطفه مرد از میان صلب و ترائب (مجتهد شبستری، ۱۳۹۸) اصابت شهابها به شیاطین بوالفضول، مرکزیت ادراکات در قلب نه در مغز (سروش، ۱۳۹۰) امر و نهی به مخاطبان بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی جامعه و پیشینه های تربیتی اشخاص و ... (مجتهد شبستری، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲) وجود خطاهای تاریخی قصه ها و اسطوره های قرآن و وجود اندازهای غیر قابل پذیرش و غیر قابل توجیه از نظر اخلاقی مانند شکنجه انسانها به خاطر اعمال زشت (همو، ۱۳۹۸).

وجود چنین تعارضاتی از نظر آنها به انسانیت پیامبر و عصر و محیط و آگاهی های وی بر می گردد و در مقام تفسیر قرآن نباید از عالم انسانیت بیرون رفت (همو، ۱۳۹۷) آنها مطابق فرهنگ عرب آن روز و برای رساندن پیام توحید که در فرهنگ آن روز عرب نبود به کار گرفته شده اند (همو، ۱۳۹۶). بدین گونه که «قرآن در عین نمایاندن فضا و واقعیت پیرامون خود، آن را از طریق سازوکارهای زبانی خود بازسازی کرده است. مثلاً باور به وجود جن و ارتباط آن با آسمان و امکان ارتباط برخی آدمیان با آن که در باور عرب رسوخ کرده بود در قرآن بازنمایی می شود اما قرآن با تقسیم جنیان به مؤمن و کافر نوعی تحول و تغییر در راستای مقاصد اسلام ایجاد می کند» (حامد ابوزید، ۱۳۸۹، صص ۸۲-۸۵).

توجیه وجود خطای تاریخی در داستان‌های قرآن نیز این است که «این داستان‌ها واقعیت ندارند هرچند ممکن است حوادث تاریخی پشت این داستان‌ها باشد، اما این داستان‌ها تاریخ نیستند و صرفاً برای موعظه هستند» (همو، ۱۳۹۱).

علاوه بر این توجیحات به‌طور خاص در نظریه رؤیاهای رسولانه وجود تعارضات و خطاها به‌واسطه جهان ترسیم شده در رؤیای هنری و خیال‌خلاق پیامبر است (سروش، ۱۳۹۵-ج) و در نظریه قرائت نبوی به این دلیل است که قرائت پیامبر بر تصویری از جهان مبتنی است که در عصر آن قرائت وجود داشته است (مجتهد شبستری، ۱۳۹۶).

با این وصف نواندیش عقل‌گرا، مخالفت خود را با توسعه معنایی واژگان برای آشتی وحی و علم اعلام می‌کند و می‌گوید: «معنای واژه‌ها و جملات در متن قرآن همان معناها هستند که در آغاز تکون این متن از آن‌ها فهمیده می‌شد و نمی‌توان به‌منظور سازگار کردن معنای متن قرآن با دانش یا فلسفه‌های این عصر برای آن‌ها معناهای دیگر فرض کرد» (همو، ۱۳۹۶) زیرا «اگر یافتن مراد جدی متکلم در مسائل خردی چون آسمان‌های هفت‌گانه این همه دیریاب و دشوار یاب باشد، در مورد مسائل مهم‌تری چون مبدأ و معاد نمی‌توان به یافتن مراد جدی متکلم اطمینان یافت و این شیوه بر همه چیز غبار تردید و تیرگی می‌افشاند و امن و اعتماد به کلام و متکلم را می‌ستاند» (سروش، ۱۳۹۰). لذا باید از تجربه کلیسا در رفع تعارض علم و دین پند گرفت و در راهی که آنها رفتند و به نتیجه نرسیدند پانهاد. (همان)

۲-۱. چالش‌های دیدگاه عقل‌گراها

نواندیشی عقل‌گرا با بشری کردن وحی، گام بلند خود را در برقراری مفاهمه بین الاذهانی، اقلی کردن دین، پاسخ‌گویی به نقد‌های وارد بر دین، حذف قوانین شرعی مسئله‌ساز و ... برداشته است. اما رویه و رویکرد آنها با مشکلات و چالش‌هایی مواجه است که در ذیل برخی از آنها ذکر می‌شوند با این توضیح که موارد ذکر شده علاوه بر مواردی است که در بیان متن گراها خواهد آمد.

۱-۲-۱. چالش‌های تجربه انگاری

هرچند با تجربه انگاری وحی پاسخی به مشکلات پیش روی تفکر دینی داده می‌شود اما این دیدگاه قابلیت توضیح برخی آیات را ندارد. یکی از این آیات آیه ۵۱ سوره شوری است: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُلِمَ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذُنِهِ مَا يَشَاءُ» که طرق تکلم خداوند با بشر را از سه طریق می‌داند که دو حالت آن از طریق وحی است، در یکی بدون واسطه رسول، دیگری با واسطه رسول. همه آنچه در مورد تجربه دینی گفته شده، قابل انطباق بر طریق اول می‌باشد که همه انسان‌ها امکان چنین تجربه‌ای را که چیزی شبیه الهام و یا همان الهام است را دارند. اما تفکیکی که قرآن بین طریق سوم و طریق اول قائل شده، در درون نظریه تجربه انگاری وحی غایب است و تجربیات پیامبرانه و غیر پیامبرانه، هر دو یک پدیده با درجات مختلف تلقی شده‌اند.

مشکل دیگر این دیدگاه پرسشی است که فراروی آن قرار می‌گیرد: آیا می‌توان مجرب شدگی پیامبر را با نظر به ترتیب نزول آیات و سور نشان داد به گونه‌ای که معلوم شود آیات متأخرتر گوهرهای گران‌تری نسبت به آیات متقدم‌تر هستند؟

۱-۲-۲. چالش‌های مداخلیت پیامبر در وحی

نواندیشان عقل‌گرا باید نقش اراده پیامبر در بیان وحی را روشن کنند. اگر پیامبر با دریافت وحی، در به زبان آوردن عبارات قرآن مسلوب الاراده می‌شده، پس بی‌گمان لفظ و معنای قرآن از پیامبر نیست و اگر در به زبان آوردن عبارات قرآن، دادن تنوع به آن‌ها، انتخاب واژه‌ها و ... امکان و توان انتخاب‌گری داشته، قائل به این نظر باید پاسخی درخور به این پرسش داشته باشد که آیا پیامبر زمینه سخنگویی این چنین فصیحانه را داشته است یا نه؟ تا فردی توانایی‌ها و مهارت‌های لازم در امری به‌طور مثال در اجرای موسیقی یا گفتن شعر را نداشته باشد با یک نیروی الهامی نمی‌تواند آثار فاخر ماندگار ایجاد کند.

مشکل دیگر آنست که مخاطبین شعرا و یا هر طیف دیگری که داعیه الهامی بودن آثار خود را دارند هیچ‌گاه دچار این سوء تفاهم نشده‌اند که محصول تولید شده اثر خود فرد نیست بلکه اثر خداست و یا حتی در این مورد تردید هم نکرده‌اند؛ چطور اغلب پیروان پیامبر دچار چنین سوء تفاهمی شدند؟

استدلالی که شبستری با تکیه بر معنای لغوی وحی برای اثبات کلام پیامبر بودن قرآن به کار برده نا صواب به نظر می‌رسد. زیرا تأمل در آیه «فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم: ۱۱) معلوم می‌دارد پیامی را که وحی منتقل می‌کند لزوماً عاری از تفصیل نیست همچنین آیه «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (طه: ۱۱۴) معلوم می‌دارد فرایند وحی زمانی را به خود اختصاص می‌دهد که از پیامبر خواسته شده تا این زمان به اتمام نرسیده عجله نکند.

۱-۲-۳. چالش‌های تاریخت وحی

اولاً؛ اتفاقات مهمی در زمان نزول وحی رخ داد که در قرآن اشاره‌ای به آن‌ها نشده است.

ثانیاً؛ اشارات قرآن به رخدادهای عمدتاً به گونه‌ای است که می‌خواهد پیامی کلی را در قالب رخدادهای پیشامد کرده القا کند و از پرداختن به بازیگران واقعه و سایر مؤلفه‌ها خودداری می‌کند لذا می‌بینیم از میان انبوهی از انسان‌هایی که با پیامبر در تعامل بودند تنها به دو اسم ابولهب و زید (اگر واقعاً منظور، اسم آن اشخاص بوده باشد) اشاره شده است.

هرچند ارتباط قرآن با رخدادهای به وقوع پیوسته اندیشه تاریخت را تقویت می‌کند اما انتخاب‌گری رخدادهای و شیوه بیان پیام، به نفع دیدگاه فراتاریخی بودن قرآن است. می‌توان پیامبر را همانند معلمی دانست که با یک طرحی آموزشی از پیش آماده وارد یک کلاس منتخب می‌شود. بخشی از مفاهیم آموزشی او به صورت یکطرفه منتقل شده و بخشی دیگر بر اساس اتفاقات و سؤال و جواب‌هایی که در کلاس رخ می‌دهد بیان

۱-۲-۴. چالش‌های زمانمندی تشریحات

اولاً؛ آنچه در جامعه پیامبر جریان داشت صرفاً عرف‌های محلی نبوده بلکه احکام آن روز تلفیقی از تشریحات پیامبران سابق، تحریفاتی از این تشریحات و احکام عرفی بوده است.

ثانیاً؛ اینکه پیامبر برای تغییر عرف حاکم جهد چندانی نکرد با قضیه ازدواج پیامبر با زینب همخوانی ندارد. پیامبر برای جا انداختن اینکه پسر خوانده حکم پسر را ندارد مأمور است علی‌رغم خشیت آور بودن، با همسر مطلقه زید ازدواج کند «لکیلا یکون علی المومنین حرج فی ازواج ادعیائهم...» آیا تلاش برای تغییر دیدگاه جامعه نسبت به پسر خوانده تا سرحد آبرو که هنوز هم منتقدین پیامبر بر علیه او و کار او می‌نویسند و می‌گویند جهدی محسوب نمی‌شود؟! آیا این تأمل ما را بدان رهنمون نمی‌کند که پیامبر مأموریت سنگین رساندن احکام الهی (نه بشری) به مردم و ختم پروسه نبوت را داشته است؟

ثالثاً؛ قرآن از اهل انجیل و تورات می‌خواهد که بر اساس آنچه خداوند در این دو کتاب نازل کرده حکم کنند. (مانده: ۴۴-۴۷) اگر حکم به معنای تعیین مصداق عدالت در مورد یک قضیه خاص پیشامد کرده باشد چگونه خداوند از اهل انجیل می‌خواهد بر اساس کتابی که ۶ قرن پیش نازل شده داوری کنند؟!

رابعاً؛ آیات احکامی محدود قرآن، طیف بسیار اندکی از احکام و قوانین وضع شده در زمان پیامبر را شامل می‌شوند. این پرسش اساسی که ویژگی متمایز این قوانین از سایر احکام وضع شده توسط پیامبر برای انتخاب‌شدگی چه بوده است پاسخی قانع‌کننده در رویکرد عقل‌گراها نمی‌یابد. اگر پاسخ این باشد که این موضوعات از حساسیت بیشتری برخوردار بوده‌اند و یا موضوعاتی بوده‌اند که معاصرین پیامبر زیر بار پذیرش آن‌ها نمی‌رفته‌اند نگاه مختصری به آیات احکام قرآن خطا بودن چنین پاسخ‌هایی را به وضوح

نشان می‌دهد. آیا انتخاب‌شدگی قوانین محدود نمی‌تواند نشانه‌ای بر ویژگی متمایز آن‌ها باشد؟

۱-۲-۵. چالش‌های خط‌پذیری وحی

رویکرد عقل‌گراها اگر چه به‌طور قانع‌کننده‌ای بار انتظارات از دین را کم می‌کند و وجود برخی تعارضات ادعایی با علم را توجیه می‌کند لیکن این نظریات قابلیت توجیه و توضیح آیاتی که به‌طور قطعی و به اذعان برخی دانشمندان، فراتر از تصورات و معلومات عصر پیامبر هستند و مطابقت با یافته‌های علمی دارند را ندارد. اگر فرضیه محتمل الخطا بودن بیانات قرآن در مورد پدیده‌های طبیعی به‌واسطه انسانیت پیامبر و آگاهی‌های او با نمونه‌هایی تأیید می‌شود و از طرفی با نمونه‌هایی از آیات نقض می‌شود چه دلیلی دارد که رأی را به نفع فرضیه صادر کنیم و چرا گمان به خطا بودن فهمان از آیات نبریم؟ مضاف بر اینکه چرا نباید به مسائلی همچون اصابت شهاب‌ها بر شیاطین، همچون مفاهیم دیگر قرآن به‌عنوان استعاره‌ای از مسائل غیرقابل درک اعراب نگریست؟

ضمناً نقد سروس مبنی بر اینکه یافتن مراد قرآن در مورد مسائل علمی پس از چند قرن، منجر به تردید در مسائل مهم تر قرآنی می‌شود به نظریه رؤیاهای رسولانه خود ایشان هم وارد است که پس از ۱۴ قرن اکنون تازه باید آیات قرآن تعبیر شوند تا مرادشان معلوم گردد.

۱-۳. دیدگاه متن‌گراها

نواندیشان متن‌گرا برخلاف عقل‌گراها از تلقی سنتی و گفتمان غالب در مورد وحی به‌عنوان هسته سخت دین دفاع کرده و حاضر نیستند آن را از جایگاه فراتاریخی و فراتجربی خود به پایین بکشند و جز در موارد معدود و محدودی در این زمینه دست به اصلاح نزده‌اند. عمده نگاه آنان به وحی از این قرار است:

۱-۳-۱. استقلال وحی از پیامبر و تجربیات او

در فضای فکری متن گراها، تجربه انگاری وحی و مدخلیت پیامبر در وحی با استناد به برخی ادله مبتنی بر آیات، غیر قابل پذیرش اعلام شده‌اند. برخی از این دلایل از این قرارند:

- استقلال وحی از ظرف ذهنی پیامبر (قیامه: ۱۶، طه: ۱۱۴، جن: ۲۷ و ۲۸) (بازرگان، ۱۳۹۶).
- عدم درک قبلی پیامبر از مقوله کتاب و ایمان (شوری: ۵۲) (بازرگان، ۱۳۹۵).
- وجود مقدراتی تعیین کننده از بیرون مانند وحی به مادر موسی مبنی بر افکندن وی در نیل، القای محبت وی در دل درباریان، استنکاف وی از شیر خوردن و رشد او در درون کاخ «اصطنعتک لنفسی» (طه: ۴۱) همین طور مانند سخن گفتن عیسی در گهواره.
- وجود مکانیسم محافظت کننده از وحی (در برابر عوامل بیرونی و درونی ذهن پیامبر) و احاطه کامل خداوند به ظرفیت های ذهنی گیرندگان وحی و میزان معلومات و تجربیات و زندگی آنها (جن: ۲۶ تا ۲۸).
- وجود اشارات علمی خارج از تجربه بشری، نتایج آماری و ریاضیاتی شگفت.
- مورد عتاب قرار گرفتن پیامبر (بازرگان، ۱۳۸۱، صص ۳۴۵-۳۵۷).

۱-۳-۲. فراتاریخی بودن وحی

نگاه متفاوت دیگر نواندیشان متن گرا با عقل گراها در مورد تاریخت وحی و وابستگی آن به رخدادهاست. بازرگان معتقد است نگاه تاریخی به وحی اولاً با آیه اکمال دین که در سیاق روئبایی ترین آیات، نازل شده در تناقض است. ثانیاً با فرض تاریخی بودن وحی، اگر اجل پیامبر پس از دریافت اولین پیام وحی فرامی رسید، قرآن امروز فقط یک سوره دوخطی داشت. ثالثاً رخدادهای ذکر شده در قرآن مصادیقی برای انتقال پیام بوده‌اند و اگر چنین حوادثی اتفاق نمی افتاد، در قالب حوادث دیگری این پیامها منتقل می گردید.

(همان، ص ۳۵۴) اما شحرور با موشکافی‌های متنی و ارائه دسته‌بندی از محتوای کتاب و نظریه انزال و تنزیل به گونه‌ای دیگر از وجود پیشین برای قرآن دفاع کرده است. از نظر او «تنزیل» انتقال عینی چیزی در خارج از حوزه معرفت انسانی و «انزال» انتقال ماده منقول از غیر مدرک به مدرک، یعنی داخل شدن در حوزه معرفت انسانی است.

برای مثال: فرایند انتقال امواج پخش یک مسابقه، همان تنزیل است زیرا این فرایند خارج از آگاهی بینندگان صورت می‌گیرد اما فرایند داخل شدن امواج در گیرنده‌های تلویزیونی برای تبدیل آن به صوت و تصویر یعنی به حالتی قابل درک برای بینندگان همان انزال است. از سوی دیگر او مصحف را شامل دو بخش می‌داند. قرآن که شامل نبوت پیامبر و علوم مربوط به هستی و تاریخ گذشتگان است و ام‌الکتاب که شامل رسالت پیامبر و حدود و عبادات و مواظب و وصیت‌ها و تعلیمات و تفصیل کتاب است. او با بررسی متنی به این نتیجه می‌رسد آن بخشی که وجودی پیشین برای آن مطرح شده قرآن است که اسباب نزول ندارد. جعل قرآن به عربی و انزال آن یعنی انتقال از شکل غیر مدرک به شکل مدرک به یکباره در شب قدر صورت پذیرفته اما تنزیل قرآن که همان انتقال مادی آن خارج از محدوده آگاهی انسانی است از طریق جبرئیل طی ۲۳ سال به پیامبر منتقل شده است. اما ام‌الکتاب که ارتباطی به لوح محفوظ ندارد و مستقیماً از نزد خداست «وعنده أم‌الکتاب» (الرعد: ۳۹) اسباب نزول می‌پذیرد و شامل چیزهایی است که محو یا اثبات می‌شوند یعنی قابل تغییرند. پس ام‌الکتاب ربطی به شب قدر ندارد و به شکل عربی قبل از تنزیل، ذخیره نشده بوده است و انزال و تنزیل آن به یکباره حاصل می‌شود؛ لذا اگر پیامبر به ابن‌ام‌مکتوم رو ترش نکرده بود آیه «عبس و تولى» مطلقاً نازل نمی‌گشت (شحرور، ۱۳۹۸، صص ۱۴۵-۱۷۵).

۱-۳-۳. راز آلودگی وحی

متن‌گراها چندان به ارائه نظریه در مورد پدیده وحی نپرداخته و بیشتر سعی در توضیح وحی با تمثیل داشته‌اند. آنها پدیده وحی را نیرویی مرموز می‌دانند که اراده پیامبر را برای

انتقال پیام در اختیار می‌گیرد و پیامبر به واسطه آن نیرو مانند گیرنده‌ای قوی امواج را می‌گیرد و بدون پارازیت و پنداری شخصی با همان الفاظ و کلمات پخش می‌کند. (بازرگان، ۱۳۸۱، ص ۳۴۷) در مورد پدیدارشناسی وحی بازرگان از آیه «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر: ۲) که در مورد شب قدر است پوشیده بودن حقیقت مکانیسم نزول وحی بر پیامبر را برداشت می‌کند! (بازرگان، ۱۳۹۶) و از آنجائی که قرآن وحی را «روحی» از امر خدا شمرده «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا» (شوری: ۵۲) و در مورد روح هم گفته است: «به شما جز مختصری از علم داده نشده است» بازرگان نتیجه می‌گیرد مسئله وحی، لاقبل برای معاصرین زمان نزول، به راحتی قابل فرموله کردن نبوده و در زمان ما هم هنوز کسی راز و رمز آن را نگشوده است (بازرگان، ۱۳۹۵).

۱-۳-۴. ابدیت وحی تشریحی

درحالی که در پروژه عقل‌گراها میان احکام ذکر شده و ذکر نشده در قرآن تفاوت چندانی گذارده نمی‌شود و شریعت زدایی محض ماحصل تلاش فکری آنهاست و قوانین قرآن یکسره به تاریخ سپرده می‌شوند و کتاب هدایت بودن قرآن لاقبل در حوزه تشریحات بلاوجه می‌گردد؛ تلاش متن‌گراها اتخاذ مواضع بسیار محتاطانه‌تر در این زمینه است و آن‌ها به راحتی حاضر نیستند از احکام قرآن گذر کنند و تلاش می‌کنند با بازخوانی تشریحات راهی به سوی استمرار احکام و حل معضل تاریخت برخی احکام باز کنند. عمده‌ترین مواضع متن‌گراها عبارت است از:

۱. تاریخی و زمانمند انگاشتن تشریحات خارج از قرآن (بازرگان، ۱۳۹۸-ب) و در نظر گرفتن سنت پیامبر به عنوان نحوه تعامل پیامبر با قرآن بر اساس شرایط خاص جامعه خود (شحرور، ۱۳۹۸، ص ۵۴۹).
۲. توجه به محدود بودن احکام قرآن و باز بودن دست بشر برای قانون‌گذاری در راستای اهداف قرآن در محدوده‌هایی که تشریح قرآنی وجود ندارد (بازرگان، ۱۳۹۸-ب).

۳. تکیه بر عرف و معروف هر جامعه و هر زمان (همان؛ شحرور، ۱۳۹۸، صص ۵۲۶-۵۳۱).

۴. اهمیت دادن به شورا و پارلمان با توجه به اهمیتی که قرآن به این مسئله داده است. (شحرور، ۱۳۹۷).

۵. پیراستن دیدگاه‌های قرآن از سنت تاریخی مسلمین (بازرگان، ۱۳۹۸).

۶. بازنگری لغوی و تفسیری آیات احکام برای ارائه معنای خردپسند از این آیات.

در این زمینه به‌طور خاص راهبرد بازرگان گذر از شکل اجرای احکام و توجه به روح آنهاست. برای نمونه ایشان شکل اقامه نماز در جبهه (نساء: ۱۰۲)، نحوه معاملات غیر نقدی (بقره: ۲۸۲) و مشابه آن را علی‌رغم بقای روح احکام به وضوح تغییر شکل یافته می‌داند. و در مورد حدود کیفری قرآن معتقد است «در روزگار ما اگر نتایج آماری نشان داد مقصود شارع به این شیوه‌ها تأمین نمی‌گردد، با اجتهاد عالمان آگاه به مسائل اجتماعی چه‌بسا بتوان شکل مناسب‌تری با روح حکم برای پیشگیری پیشنهاد کرد» (بازرگان، ۱۳۹۸) راهبرد شحرور نیز چنین است که آیات با عبارت نبی را آیات تعلیمات و بی ارتباط به حلال و حرام می‌داند مضاف بر اینکه دستور به اطاعت از رسول اگر منفصل از اطاعت از الله باشد تنها در زمان حیات پیامبر مطاع است و اگر متصل به اطاعت از الله باشد بعد از ممات پیامبر هم واجب‌الاطاعه خواهد بود (شحرور، ۱۳۹۸، صص ۵۳۱-۵۵۵).

ابتکار شحرور برای برون رفت از انجماد فقهی و تعطیل نکردن شرعیات قرآن، نظریه حرکت در حدود اوست. او معتقد است ختم تشریح به این دلیل است که انسان به مرحله‌ای رسیده که خود می‌تواند قانون‌گذاری کند تنها کافی است خداوند حدود و مرزهایی را که انسان در آن مجاز به قانون‌گذاری است تعیین کند و انسان با توجه به رشد عقلانی خود و ویژگی فطری حنیفش (یعنی تمایل به تغییر) «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) می‌تواند در حیطه این حدود قانون‌گذاری نماید. برای مثال بالاترین حد مجازات سرقت از طرف خداوند قطع ید تعیین شده و انسان‌ها می‌توانند مجازات‌های

مختلفی پایین تر از این حد را برای سرقت در نظر بگیرند و نه بالاتر و سخت تر از این حد را (همان، صص ۴۴۵-۴۶۷)

۱-۳-۵. مطابقت وحی با واقع

از منظر متن گراها معجزه بزرگ قرآن جهان شمولی آن است که هر چقدر دانش بشر رشد کند، باز هم به هر نسلی اجازه می دهد که در آن معنایی مرتبط با وضع خودش بیابد. (شحرور، ۱۳۹۸، ص ۱۸۶) با این توضیح که بر خلاف کتب پیشین، خداوند در قرآن معلوماتی را برای انسان ها در همه عصرها فرستاده، لذا نص ثابت، محتوای متغیری خواهد داشت که با معرفت متغیر و رو به رشد مردم در گذر زمان تا قیامت مطابقت می یابد و این همان تشابهی است که به تأویل مستمر نیاز دارد و تأویلش باید بر اساس میزان علم مردم در هر عصری باشد و تأویل کامل قرآن از قبل توسط هیچ کس جز خداوند ممکن نخواهد بود. (همان، صص ۵۹-۶۱) با این خاصیت متشابه بودن قرآن که لازمه خاتمیت پیامبر است هر چه زمان جلوتر رود مطروحات قرآن در ضمن مدرکات قرار می گیرد. پس هر خبر قرآنی در زمانی، تأویلش نهایی خواهد شد: «لکل نبأ مستقر وسوف تعلمون» (الأنعام: ۶۷) «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳) پس علم باید به اندازه کافی رشد کند تا تأویل آیات روشن گردد «بل کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ولما يأتهم تأويله» (یونس: ۳۹) (همان، صص ۱۹۴ و ۱۹۵)

با این رویکرد، بازرگان وقتی به تفسیر آیاتی می پردازد که در آن ها سخن از پدیده های نا آشنا و خردگرایز رفته بر اساس معنای لغوی و برخی شواهد متنی سعی می کند تفسیری ارائه دهد که آن ها را تبدیل به پدیده های خرد پذیر کند. مثلاً در مورد جن نگاه عرفی را به انتقاد می گیرد و آن را به معنای هر چیز نامأنوس و ناشناخته و نامعلوم مانند پدیده های جوی، انسان های اقوام ناشناس، منافقین و ... می گیرد (بازرگان، ۱۳۹۸-ج) و یا رفع کوه طور بر فوق بنی اسرائیل را نه به معنای کننده شدن کوه بلکه به این معنا می داند که خطر کوه آتش فشانی طور با علائم آتش فشانی اش بر بالای سر آن ها بوده است (همان) و یا

در تفسیر سوره فیل «طیر» را نه به معنای پرنده بلکه با استناد به تحقیقات زمین‌شناختی دکتر سحابی در مورد جغرافیای سرزمین مکه به معنای گدازه‌های آتش‌فشانی که بر سر سپاه ابرهه ریخته می‌شدند معنا می‌کند (همان).

به همین منوال، قصص قرآن نیز حقایق و واقعیت‌های تاریخی قلمداد می‌شوند. چرا که قرآن صراحتاً حق بودن قصص را اعلام می‌کند: «نحن نقص عليك نبأهم بالحق» (الکهف: ۱۳) (شحرور، همان، ص ۶۷۵) همچنین در آیاتی، برخی قصص قرآن از خبرهای غیبی دانسته شده‌اند که پیامبر و قوم او از آن‌ها بی‌خبر بودند. (بازرگان، ۱۳۹۵) لذا این قصص محصول تجربه نبوی نیستند که ممکن الخطا باشند. مضاف بر اینها، شحرور با بررسی چند نمونه از قصص قرآن نشان می‌دهد که قصص قرآن به‌طور دقیق سیر تکامل تاریخ انسان از جهت معرفت و تشریح را نشان می‌دهند لذا نمی‌توانند اسطوره باشند (شحرور، همان، صص ۶۷۶-۷۰۳).

۴-۱. چالش‌های دیدگاه متن‌گراها

۴-۱-۱. چالش استقلال وحی از پیامبر

با توجه به اشتراک لفظی وحی در وحی رسالی و پدیده‌هایی مانند الهام، غریزه حیوانی، قوانین طبیعی آسمان‌ها و ... به لحاظ ماهیت نیز بایستی اشتراکاتی میان آنها باشد. از آنجائی که در این پدیده‌ها انتقال پیام لفظی در کار نیست لذا متن‌گراها که در وحی رسالی، انتقال پیام لفظی را پذیرفته‌اند باید توجیهی بر این عدم مماثلت داشته باشند. شاید اگر وحی را به گونه‌ای در نظر بگیریم که پیامبر لفظ و معنا را از جبرئیل دریافت می‌کرده ولی نه به این صورت که صدایی بشنود بلکه به گونه‌ای که وجود و اراده او برای دریافت غیر سمعی قرآن و به زبان آوردن آن الفاظ القایی، تحت تسخیر قرار گیرد اشتراک لفظی وحی با پدیده‌های یاد شده قابل توضیح شود.

۱-۴-۲. چالش فراتاریخی بودن وحی

استدلال‌های بازرگان در زمینه فراتاریخی بودن قرآن هر چند معقول به نظر می‌رسند اما این استدلال‌ها برای طرفداران دیدگاه تاریخ‌مندی که شواهدی به سود دیدگاه خود دارند به اندازه کافی اکتاع‌کننده نیستند. نظریه شحرور نیز اگرچه به واسطه نگاه نو به مفاهیم و عبارات قرآن و تعیین جایگاه آن‌ها در منظومه بیانی قرآن تحسین برانگیز است لیکن باید نظر خود را دقیق‌تر مطرح کند. اگر منظور او از اینکه اگر برخی رخدادها به وقوع نمی‌پیوست آیات مربوطه هم نازل نمی‌شد این است که در قالبی دیگر این مفاهیم عرضه می‌شد می‌توان با او همراهی کرد در غیر این صورت همان اشکالاتی که بر دیدگاه عقل‌گراها وارد شد بر نظر او نیز وارد است.

۱-۴-۳. چالش‌های ابدیت وحی تشریحی

بازنگری در تفسیر آیات احکام و در نظر گرفتن معانی‌ای بر آنها که مورد پذیرش عصر جدید باشد با این چالش جدی روبرو است که چطور در طول تاریخ اسلام مفسران بزرگ و برجسته این معانی را از آیات فهم نکرده و دچار اشتباه شده‌اند، حال که بحث حقوق بشر و اومانیسیم در میان آمده و ذائقه و طبیعت و میل آدمیان تفاوت پیدا کرده چنین معانی‌ای برداشت می‌شود؟ مثلاً پیش از این همه مفسران از «فاقطعوا ایدیهما» بریدن دست را می‌فهمیدند حال که این مجازات در دنیای امروز خشن تلقی می‌شود متن گراها از آن معنای مجازی کوتاه کردن دست می‌فهمند؟ این رویه بعضاً منجر به تفسیرهای تکلف‌آمیز و بازی‌های زبانی می‌شود آن‌گونه که شحرور، ضرب زنان را اتخاذ موضع علنی معنا می‌کند (شحرور، ۱۳۹۸، ص ۶۲۲).

رویکرد بازرگان مبنی بر ثبات روح قوانین و تغییر شکل آن‌ها اگرچه راهبرد سودمندی در جهت امتداد تشریحات قرآن است، لیکن پاسخگوی برخی ابهامات نیست. به‌طور مثال در مورد همان آیات مربوط به معاملات غیر نقدی که بازرگان شکل آن‌ها را تاریخی می‌داند این سؤال مطرح است که چرا باید این حجم از دستورات زمانمند با

جزئیات در موردی مطرح شود که امروزه کارکرد چندانی ندارد درحالی که اساساً در قرآن حتی در موارد مبتلابه عصرهای بعد از نزول مانند ربا به جزئیات کمتر توجه شده است. اگرچه راهبردهای متن‌گراها، برای خروج برخی تشریحات قرآن از بن‌بست تاریخ‌مندی و خروج برخی دیگر از آن‌ها از تعارضات با حقوق مدرن راهگشا است اما اگر متن‌گراها توضیح و معنایی برای برخی امر و نهی‌های قرآن مانند دستورات مربوط به ظاهر، دستورات مربوط به برده‌ها، امر به مجردین نیازمند، به ازدواج با ملک یمین، جزیه، نهی از ازدواج با همسران پیامبر و ... نیابند دیدگاه هرمنوتیکی که می‌گوید: یک متن که زمانی برای مخاطبانش متن‌آمرانه و قانونی بوده می‌تواند در عصری دیگر برای مخاطبان دیگر آن متن، تبدیل به یک متن تاریخی شود (شبستری، ۱۳۹۶، ص ۲۹۲ و ۲۹۳) تقویت می‌شود.

نتیجه‌گیری

الف) تمایزات رویکردها

مهم‌ترین وجه تمایز نواندیشان عقل‌گرا و متن‌گرا این است که راهبرد عقل‌گراها در حل معضلات قرآنی، نه به شکل روبنایی و موردی بلکه با تغییر دیدگاه‌های بنیادین دینی است. آن‌ها با بشری کردن وحی، انتظارات از دین را به حداقل مقدار ممکن رسانده‌اند تا به‌واسطه آنجا را برای مدرنیته باز کنند و این دین آن‌قدر کوچک شده که هیچ تیر نقد و شبهه‌ای بر آن ننشیند. اما متن‌گراها وحی را فرابشری دانسته و معضلات قرآن را سعی می‌کنند موردی حل کنند. پاشنه آشیل حرکت فکری آن‌ها فهم قرآن با تتبع در خود قرآن و زدودن غبار تاریخ و سنت از آن است. آن‌ها با کم‌رنگ کردن یا حذف حدیث و به تبع آن حذف تشریحات غیر قرآنی، دین را کوچک می‌کنند، البته نه به اندازه عقل‌گراها و با تکیه بر عرف و معروف و منطق الفراع و سبغ قرآنی و شورا، جا را برای اندیشه و عقلانیت بشری باز می‌کنند.

با انتساب گزاره‌های علمی قرآن به پیامبر و دانش محدود او توسط عقل‌گراها و توجه دادن به پیام این آیات و نه بیان آن‌ها، صورت مسئله تعارض وحی و علم پاک می‌شود، اما

متن گراها خود را از چالش قرآن و علم به دور نگه نمی‌دارند و با کنکاش‌های لغوی و ارائه تفسیرهای خردپسند سعی در آشتی دادن قرآن و علم دارند.

ب) مزایا و معایب رویکردها

تلاش برای فهم نسبی از وحی بر اساس اشارات قرآن، بستر سازی برقراری تعامل و مفاهمه برون دینی با غیر دین‌داران، رفع مبنایی معضل اجرای قوانین کیفری قرآن در عصر مدرن را می‌توان از امتیازات نواندیشی عقل‌گرا دانست. حذف تشریحات قرآن و فراهم شدن بستر گذر از تشریحات عبادی آن، تنزل قرآن در حد یک کتاب بشری خطاپذیر زمانمند - که شاید برخی قسمت‌هایش تنها ارزش یک‌بار خواندن برای کسب اطلاعات تاریخی یا ادبی داشته باشد - فدا کردن آیات علمی منطبق با یافته‌های قطعی بشر و سایر ویژگی‌های ادبی، معرفتی، تاریخی فرابشری قرآن بر سر راه پروژه بشری کردن وحی، کوچک کردن دین به صورت مرحله به مرحله در طی ادوار مختلف، از بین رفتن خاصیت جاودانگی بخش‌های زیادی از قرآن از نقاط ضعف این طیف از نواندیشی ارزیابی می‌شود.

در مقابل، رویکرد نواندیشان متن‌گرا در فرابشری دانستن وحی قابلیت انطباق بیشتری با واقعیت‌های متنی را دارد، اما استدلال‌های عقلانی قانع‌کننده‌ای بر دیدگاه خود در مورد غیر تاریخی بودن قرآن و داشتن وجودی پیشین اقامه نکرده‌اند. عدم عبور از شریعت قرآنی، دفاع از عدم تعارض قرآن با علم به واسطه علم مطلق باری تعالی، تلاش برای احیای جایگاه محوری قرآن و کنکاش‌های متنی برای برون رفت از تعارضات از نقاط قوت رویکرد متن‌گرایی است و برخی تأویل‌های تکلف‌آمیز در مورد تشریحات قرآن و گذر از برخی عناصر چالش‌برانگیز قرآن از حیث زمانمند بودن بدون روشن شدن جایگاه آن‌ها در دنیای مدرن از نقاط ضعف رویکرد متن‌گرایی ارزیابی می‌شود.

به‌طور کلی عقل‌گراها بیشتر جانب عقل برون دینی و متن‌گراها بیشتر جانب عقل درون دینی را نگه می‌دارند؛ لذا به نظر می‌رسد پتانسیل جذب مخاطب دین‌دار به رویکرد

متن‌گراها بیش از رویکرد عقل‌گراها باشد. با این همه حرکت در مرز مدرنیته و سنت و متقاعد کردن دو سوی این طیف، تلاش فکری دشواری است که اندکی لغزش می‌تواند واپس‌زدگی از سوی یکی از طرفین و یا هر دو طرف را در پی داشته باشد.

منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۸۱ش)، **اصلاحات و نوگرایی دینی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۹۶ش)، **ده نکته در نقد رؤیاهای رسولانه**، bazargan.com
۴. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۹۵ش)، **تجربه نبوی و نگاه علمی**، bazargan.com
۵. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۹۸ش - الف)، **نسب بت قرآن و حقوق بشر**، www.nedayeazadi.net
۶. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۹۸ش - ب)، **تأملاتی در زمینه احکام اسلامی و مقتضیات زمانه**، bazargan.com
۷. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۹۸ش - ج)، **تفسیر صوتی قرآن، سوره بقره، جن، فیل**، bazargan.com
۸. حامد ابوزید، نصر، (۱۳۸۳ش)، **نقد گفتمان دینی**، ترجمه: یوسفی اشکوری و محمد جواهر الکلام، چ دوم، تهران: یادآوران.
۹. حامد ابوزید، نصر، (۱۳۸۷ش)، «کشف فحوای نصّ در مسیر تاریخ؛ گفت و گوی انتقادی محمدرضا وصفی با نصر حامد ابوزید»، **ماهنامه کتاب ماه دین**، سال دوازدهم، شماره ۱۶.
۱۰. حامد ابوزید، نصر، (۱۳۸۸ش)، **متن بودن قرآن**، ترجمه: روح الله فرج زاده، nasr-hamed-abuzayd.blogfa.com
۱۱. حامد ابوزید، نصر، (۱۳۸۹ش)، **معنای متن پژوه شی در علوم قرآنی**، مترجم: مرتضی کریمی نیا، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۲. حامد ابوزید، نصر، (۱۳۹۱ش)، **قرآن به مثابه متن، قرآن به مثابه دیسکورس‌های مختلف**، گفتگوی اکبر گنجی با نصر حامد ابوزید، zamaaneh.com

۱۳. حامد ابوزید، نصر، (۱۹۹۵م)، **النص، السلطه، الحقیقه**، دمشق: المرکز الثقافی العربی.
۱۴. حامد ابوزید، نصر، (۲۰۱۰م)، **نوآوری، تحریم و تأویل؛ شناخت علمی و هراس از تکفیر**، مترجم: مهدی خلجی، tavaana.org
۱۵. حامد ابوزید، نصر، (۲۰۱۵م)، **اصلاح اندیشه اسلامی، تحلیلی تاریخی انتقادی**، مترجم: یاسر میردامادی، tavaana.org
۱۶. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۲ش)، **بسط تجربه نبوی**، تهران: انتشارات صراط.
۱۷. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۳ش)، **قبض و بسط تئوریک شریعت**، تهران: انتشارات صراط.
۱۸. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۰ش)، **طوطی و زنبور**، drsoroush.com
۱۹. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۴ش)، **محمد راوی رؤیاهای رسولانه ۱**، drsoroush.com
۲۰. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۵ش - الف)، **محمد راوی رؤیاهای رسولانه ۲، انتفاء شریعت و امتناع رسالت**، drsoroush.com
۲۱. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۵ش - ب)، **محمد راوی رؤیاهای رسولانه ۲، خواب احمد خواب جمله انبیاست**، drsoroush.com
۲۲. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۵ش - ج)، **محمد راوی رؤیاهای رسولانه ۳، مقراض تیز تناقض**، drsoroush.com
۲۳. سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۶ش)، **رویاروی «رؤیا» ۱ و ۳**، zeitoons.com
۲۴. شحرور، محمد، (۱۳۹۷ش)، **التعدد الزوجیه**، shahrour.org
۲۵. شحرور، محمد، (۱۳۹۸ش)، **الکتاب و القرآن قراءه م عاصره**، دمشق: بی نا shahrour.org
۲۶. کدیور، محسن، (۱۳۹۸ش)، **سخنرانی اصلاح دینی در اسلام شیعی، تجارب، عبرتها و موازین**، kadivar.com
۲۷. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۸۱ش)، **هرمنوتیک، کتاب و سنت**، تهران: طرح نو
۲۸. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۵ش)، **قرائت نبوی از جهان (۲) - کلام خدا و کلام انسان پیش فهم‌های تفسیر آزاد قرآن**، mohammadmojtahedshabestari.com
۲۹. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۶ش - الف)، **قرائت نبوی از جهان (۱) - کلام نبوی**، mohammadmojtahedshabestari.com

۹۸ مقاله علمی - پژوهشی: «بررسی تطبیقی - انتقادی نظرات نواندیشان دینی عقل‌گرا و متن‌گرا پیرامون وحی» / حاجی خانی، کریمی و روحی برندق

۳۰. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۶ش - ب)، *نقد بنیادهای فقه و کلام، سخنرانی‌ها، مقالات، گفتگوها*، mohammadmojtahedshabestari.com
۳۱. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۸ش - الف)، *فقه اسلامی و حقوق زنان*، mohammadmojtahedshabestari.com
۳۲. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۸ش - ب)، *قرائت نبوی از جهان (۱۰) - یک گام به سوی تفسیر تاریخی قرآن*، mohammadmojtahedshabestari.com
۳۳. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۸ش - ج)، *قرائت نبوی از جهان (۱۴) - از سانیت کلام قرآنی و حقیقت تجربه محمدی*، mohammadmojtahedshabestari.com
۳۴. نراقی، آرش، (۱۳۷۷ش)، «درباره روشنفکری دینی»، *اندیشه راه نو*، سال اول، شماره ۹.
۳۵. نراقی، آرش، (۱۳۹۷ش)، *نواندیشی دینی در سه پرده*، arashnaraghi.org
۳۶. نعیمی جور شری، عباس، (۱۳۹۸ش)، *نواندیشی دینی در الگوهای بازرگان، شریعتی، سروش*، gilmehr.com
۳۷. یوسفی اشکوری، حسن، (۱۳۹۸ش)، *نوا ندیشی دینی و آرمان‌هایش*، yusefieshkevari.com

Bibliography:

1. The Holy Quran.
2. Bazargan Abdulali (2002), In the Field of Reformations and Religious Modernism. Tehran: Sahami Publications Company.
3. Bazargan Abdulali (2017), "Ten Points in Criticism of Prophetic Dreams". Available at: bazargan.com.
4. Bazargan Abdulali (2016), "Prophetic Experience and Scientific Idea". Available at: bazargan.com.
5. Bazargan Abdulali (2019), "Relation Between the Qur'an and Human Rights". Available at: bazargan.com.
6. Bazargan Abdulali (2019), "Deliberations in Islamic Laws and Requirements of the Time", Available at: bazargan.com.
7. Bazargan Abdulali (2019), "Media Interpretation of the Qur'an: Surahs al-Baqarah, al-Jinn, al-Fil." Available at: bazargan.com.
8. Abuzeid, Nasr (2015), Reformation of Islamic Thought: A Critical Historical Analysis, Trans: Yaser Mirdamadi, Available at: tavaana.org.
9. Abuzeid, Nasr (2010), Innovation-Interdict-and-Hermeneutics; Scientific Cognition and Fear of Anathema. Trans: Mehdi Khalaji, Available at: tavaana.org; 2010.
10. Abuzeid, Nasr (2010), The Text Concept: A Study of the Qur'anic Sciences, Trans: Morteza Kariminiya, Tehran: Tarhe Now.
11. Abuzeid, Nasr (1995), Text, Authority, Truth. Damascus: Al-Markaz al-Thiqāfat al-'Arabī.
12. Abuzeid, Nasr (2004), Critique of Religious Discourse, Trans. Yousefi Eshkevari and Muhammad Jawahir al-Kalam, vol. 2, Tehran: Yadavaran.
13. Abuzeid, Nasr (2012), "Qur'an As a Text, Qur'an As a Different Discourses", Talk between Akbar Ganji and Nasr Hamed Abu Zaid, Available at: zamaaneh.com.
14. Abuzeid, Nasr (2009), "Textuality of Qur'an". Trans: Rouhullah Faraj-Zadeh, Available at: nasr-hamed-abuzayd.blogfa.com.
15. Abuzeid, Nasr (2008), "Discovery of Text Tenor in History Way", Religion Month Book, 12 (16).
16. Soroush Abdul Karim (2014), The Theoretical Contraction and Expansion of Religion. Tehran: Serat.
17. Soroush Abdul Karim (2013), Expansion of Prophetic Experience. Tehran: Serat.

18. Soroush Abdul Karim (2011), "Parrot and Bee". Available at: drsoroush.com.
19. Soroush Abdul Karim (2015), "Mohammad Narrator of Prophetic Dreams 1". Available at: drsoroush.com.
20. Soroush Abdul Karim (2016), "Mohammad Narrator of Prophetic Dreams 2: Mohammad's Dream Is All Prophets' Dream". Available at: drsoroush.com.
21. Soroush Abdul Karim (2016), "Mohammad Narrator of Prophetic Dreams 3: Sharp Scissor of Conflict." Available at: drsoroush.com.
22. Soroush Abdul Karim (2016), "Mohammad Narrator of Prophetic Dreams 4: Religion Banishing and Message Desisting." Available at: rsoroush.com.
23. Soroush Abdul Karim (2017), "Opposite of Dream 1 and 3." Available at: zeitoons.com.
24. Shahrour Muhammad (2019), The Book and The Qur'an: A Contemporary Reading. Damascus: Np. Available at: shahrour.org.
25. Shahrour Muhammad (2018), "Bigamy", Available at: shahrour.org
26. Kadivar Mohsen (2019), "Religious Reformation in Shiite Islam: Experiences, Lessons and Criteria." Available at: kadivar.com.
27. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2017), "Prophetic Reading from World 1: Prophetic Word." Available at: mohammadmojtahedshabestari.com.
28. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2016), "Prophetic Reading from World 2: Divinity Word and Human Word, Advance Understanding of Liberal Interpretation of Qur'an." Available at: mohammadmojtahedshabestari.com.
29. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2019), "Prophetic Reading from World 10: One Step Towards Historic Interpretation of Qur'an." Available at: mohammadmojtahedshabestari.com.
30. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2019), "Prophetic Reading from World 14: Humanity of Quranic Word and Reality of Mohammad Experience." Available at: mohammadmojtahedshabestari.com.
31. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2017), Criticism of Theology and Jurisprudence Basics: Speeches, Articles, Conversations. Available at: mohammadmojtahedshabestari.com.

32. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2002), *Hermeneutics, the Book and Tradition*, Tehran: Tarhe Now.
33. Mojtabeh Shabestari, Muhammad (2019), *Islam Jurisprudence and Women Rights*, Available at: mohammadmojtahedshabestari.com.
34. Naraghi Arash (1998), "On Religious Intellectualism", *Andish-e rah-e Nov* 1(9).
35. Naraghi Arash (2018), "Religious Modernism in Three Screens," Available at: arashnaraghi.org.
36. Naeemi Jurshari Abbas (2019), "Religious Modernism in Bazargan, Shariati and Soroush Pattern," Available at: gilmehr.com
37. Yusefi Eshkevari Hassan (2019), "Religious Modernism and Its Ideals." Available at: yousefieshkevari.com.